

جایگاه تأویل در روایات تفسیری امام سجاده علیه السلام

منصور پهلوان*

معصومه آگاهی**

چکیده: بخش قابل توجهی از روایات تفسیری را که از امام سجاده علیه السلام برجای مانده، تأویل آیات و ارائه مصادیق آنها تشکیل می‌دهد. این روایات نقش تعیین‌کننده‌ای در بازسازی عقاید جامعه پس از شهادت سید الشهداء علیه السلام دارد، در این گفتار، فزونی روایات تأویلی و تعیین مصادیق آیات، بر پایه مخاطب و فضای صدور روایات تحلیل شده است.

نگارنده، نمونه‌هایی از موضوع‌های این روایات را بدین‌سان برمی‌شمارد: بازسازی بنیان تفکر ولایت‌مدار، ترسیم محورهای تفکر مهدوی، تعیین مصادیق آیات.

کلید واژه: امام سجاده علیه السلام / تفسیر مآثور / تأویل / مصادیق / مهدویت در قرآن / امامت در قرآن.

Email : Pahlevan@ut.ac.ir

Email : Magahi52@gmail.com

*. استاد دانشگاه تهران.

** دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث.

طرح مسأله

روش‌شناسی روایات تفسیری اهل بیت علیهم‌السلام، ما را به این نکته رهنمون می‌شود که معصومان علیهم‌السلام در تفسیر آیات الاهی، اصول و مبانی مشترکی دارند. این نکته با در نظر گرفتن این حقیقت که ایشان در عین تعدّد، نور واحدند، دور از انتظار نیست. اما از سوی دیگر، تفسیر هر یک از معصومان علیهم‌السلام، دارای ویژگی‌های منحصر به فردی است که آن را از تفاسیر دیگر متمایز می‌کند. این ویژگی‌ها بستگی تامّ و تمامی با پارامترهای زمانی، مکانی و مخاطبان معصوم علیهم‌السلام دارد که با ترسیم این عوامل می‌توان به تحلیل صحیحی از شاخصه‌های تفسیر معصومان علیهم‌السلام دست یافت.

در بررسی روایات تفسیری امام سجاده علیه‌السلام - که در سایه ادعیه صحیفه و کتاب زهد و حقوق ایشان مهجور مانده است - با دو ویژگی مهم مواجه می‌شویم: نخست این که حدود نیمی از روایات تفسیری امام سجاده علیه‌السلام را تأویل و ارائه معنای باطنی آیات تشکیل می‌دهد، و دیگر این که امام علیه‌السلام در موارد بسیاری در تفسیر آیات، مصادیق آنها را تعیین کرده است. این نوشتار از طریق بررسی فضای صدور روایات از جهت سیاسی، فرهنگی و اجتماعی و نوع مخاطبان امام سجاده علیه‌السلام به تحلیل دو ویژگی مذکور می‌پردازد.

اوضاع سیاسی دوران امام سجاده علیه‌السلام

امام سجاده علیه‌السلام در سال ۳۸ هجری قمری، در زمان خلافت جدّش امیر مؤمنان علیه‌السلام چشم به جهان گشود. در این زمان، علاوه بر جنگ صفین که صورت علنی مبارزه میان علی علیه‌السلام و معاویه است، تنور مخالفت‌ها و مبارزات فرهنگی میان این دو جبهه داغ بود. پس از شهادت امام علی علیه‌السلام، مسلمانان به جای بیعت با حسن بن علی علیه‌السلام، با معاویه، به عنوان خلیفه پیامبر بیعت کردند. تهدید و تطمیع‌های معاویه سبب شد که امام حسن علیه‌السلام تنها بماند و ناگزیر به امضای صلح‌نامه شود. پس از این قرارداد، حسنین علیه‌السلام به همراه عیال و فرزندان خویش، از جمله امام سجاده علیه‌السلام، به مدینه

بازگشتند. در سال‌های جوانی امام سجاد علیه السلام، معاویه خلیفه بود. او در دوران خلیفه دوم به حکومت شام منصوب و بسیار مورد عنایت و نوازش خلیفه واقع شد. (شریف قرشی، ج ۲، ص ۳۳۸) معاویه از هر وسیله ای برای خاموش کردن نور آل محمد صلی الله علیه و آله و فاصله انداختن میان آنها و امت استفاده کرد چنانکه از عمل به سنت پیامبر نهی کرد و اول کسی بود که بر منابر سب علی علیه السلام نمود. او چنان بر دوست داران اهل بیت علیهم السلام سخت گرفت که اگر به کسی لقب «زندیق» می دادند، بهتر از آن بود که او را «دوست دار آل محمد صلی الله علیه و آله» بنامند (همان، ج ۲، ص ۳۴۰). در دوران معاویه سخت‌ترین فعالیت‌ها علیه اهل بیت علیهم السلام، شیعه، موالی و ایرانیان صورت گرفت که در نهایت به شهادت امام حسن علیه السلام انجامید و این شدت و سختی، ۲۰ سال یعنی تا زمان مرگ معاویه ادامه داشت (نک: عماد زاده، ص ۶۸۹).

پس از مرگ معاویه، فرزندش یزید بر تخت حکومت و خلافت پیامبر صلی الله علیه و آله تکیه زد. یزید آشکارا معصیت می‌کرد و حکم خدا را به آسانی نادیده می‌گرفت. او بسیار تلاش کرد که از امام حسین علیه السلام و بنی‌هاشم برای خود بیعت بگیرد و به این ترتیب مهر تأییدی بر عملکرد سیاه خود بگذارد. اما هنگامی که در این کار توفیقی نیافت، چاره را در کشتن فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله دید. وی در دوران کوتاه حکومت خویش که سه سال و اندی به طول انجامید، سه برنامه اصلی را اجرا کرد که هر یک از آنها در تاریخ اسلام بی‌نظیر است: سال اول شهادت سید الشهداء علیه السلام و خاندان و یاران او؛ در سال دوم، قتل عام مردم مدینه و مباح شمردن خون، مال و ناموس مسلمانان بر لشکریانش (الدمشقی، ج ۸، صص ۲۴۱-۲۴۲)، و در سال سوم، حمله به بیت الله الحرام و به منجنیق بستن حرم امن الاهی (همان، ج ۶، ص ۲۴۲). یزید اندکی پس از این هتک حرمت، به هلاکت رسید و فرزندش معاویه بن یزید بر جای او نشست. معاویه از حکومت و خلافت کراهت داشت. لذا به محض رسیدن به خلافت در جمع مسئولین حکومتی خطبه‌ای خواند؛ بیعت خویش را از گردن مردم برداشت و تعیین

خلیفه را به مردم سپرد (نک: شریف قرشی، ۲، ۳۴۴). پس از کناره‌گیری معاویه دوم از خلافت، سران حکومت به سرعت با مروان بن حکم به عنوان اولین خلیفه مروانی بیعت کردند (نک: شریف قرشی، ج ۲، ص ۳۴۷). در ایام حکومت مروان، لعن امیرالمؤمنین بر منابر علنی شد. وقتی که امام زین العابدین علیه السلام از او پرسید: «چرا بر منابر سب علی می کنید؟»، مروان گفت: «زیرا کار ما جز به این صورت سامان نمی‌یابد.» (شریف قرشی، ج ۲، ص ۳۴۸) پس از مروان، عبدالملک که از جباران بنی امیه بود، بر تخت نشست. وی کتاب خدا را در دست گرفت و گفت: «هذا فراق بینی و بینک.» (ابن کثیر، ج ۹، ص ۷۷)

پس از عبدالملک فرزند او ولید که فردی جبار و ستمگر بود و به سنت اموی عمل می‌کرد، به خلافت رسید. او آخرین خلیفه اموی معاصر امام سجاده علیه السلام، و دشمن‌ترین افراد به امام بود؛ به گونه‌ای که اعتراف کرد ملک و سلطنتش با وجود امام علیه السلام کامل نمی‌شود (شریف قرشی، ج ۲، ص ۳۶۳). به این ترتیب خشونت، ظلم و جور مشخصه اصلی حکومت اموی بود؛ آن‌چنان که انتقال قدرت از خلیفه‌ای به خلیفه دیگر، هرگز فشار بر اهل بیت علیهم السلام و شیعیان یا محبان آنها را کاهش نمی‌داد.

اوضاع فرهنگی - اجتماعی جامعه اسلامی در عصر امام سجاده علیه السلام

طبیعت حکومت اموی، استبداد و جبروت حکام و ملوک آن بود. در دوران امویان، قواعد عدل سیاسی و اجتماعی زیر پا گذاشته شد؛ آزادی اجتماعی از میان رفت و قوانین اسلام لگدمال شد؛ ظلم و ستم فراگیر، و سیاست تفرقه و اختلاف‌افکنی بین مسلمانان در پیش گرفته شد (شریف قرشی، ج ۲، صص ۳۷۲-۳۷۵). بنی امیه سه مرتبه مدینه را غارت کرده، اموال مسلمانان را مباح کردند. به دلیل وقوع این جنگ‌های داخلی از یک طرف، و رفاه‌زدگی و تجمل‌پرستی خلفا از سوی دیگر، وضع اقتصادی مردم مدینه بسیار نامناسب بود. در این دوران مردم به جاهلیت و اعقاب خود بازگشتند. شهر پیامبر صلی الله علیه و آله - مدینه

النبی - به مرکزی برای لهو و لعب تبدیل شد، آن چنانکه آوازه خوانی، رقاصی، مجالس مختلط زن و مرد، مجلس شراب و مراکز آموزش غنا رواج پیدا کرد (نک: شریف قرشی، ج ۲، صص ۴۰۷-۴۱۲). شعر در این زمان قبیله‌ای است؛ موضوع اصلی آن شجاعت، زیادی مال و نفر و هر آن چیزی است که به آن افتخار می‌کردند و واژه‌ای در قاموس سب و شتم نماند مگر آن که به نظم درآمد. در حقیقت، جاهلیت اولی که اسلام با آن مبارزه کرده بود، در ایام حکومت اموی تمام چهره، رخ نمود (نک: شریف قرشی، ج ۲، صص ۴۱۵-۴۱۷). گرچه مدینه، «دارالسنة» نام گرفته بود، مردم در این زمان بیشتر متأثر از ارزش‌های خلافت بودند تا سنت پیامبر ﷺ و امامان شیعه علیهم السلام. پس از واقعه حرّه چنان حقارتی بر مردم مدینه تحمیل کردند که ناچار شدند به عنوان «برده یزید» با فرمانده نظامی او بیعت کنند (ابن ابی‌الحدید، ج ۳، ص ۲۵۹). مسجد النبى ﷺ که روزی پایگاه پیامبر ﷺ و مقر حکومت ایشان بود، به محلی برای چهارپایان تبدیل شده بود؛ ستوران را به ستون‌های مسجد می‌بستند و چنانچه کسی قصد زیارت مزار پیامبر ﷺ را داشت، او را با خنجر منع و تهدید می‌کردند (مجلسی، ص ۱۱؛ عمادزاده، ص ۷۵۳).

موقعیت امام سجاد علیه السلام در مدینه

علی‌رغم شرایط نامساعد و اوضاع نابسامانی که در مدینه وجود داشت، امام سجاد علیه السلام، در سراسر حیات خویش، در مدینه ماند و جز برای حج و زیارت از آن خارج نشد. مورخان گزارش کرده‌اند که ایشان برای زیارت مزار جدش، علی بن ابی طالب علیه السلام، به عراق سفر کرد و مسلم است که مزار سید الشهداء علیه السلام را نیز زیارت کرده است (شریف قرشی، ج ۱، ص ۱۸۶)، اما اقامت‌گاه ایشان تا پایان عمر مبارکشان، شهر رسول خدا ﷺ و مضجع شریف اوست.

دوران حیات امام سجاد علیه السلام آکنده از سختی، مرارت و تنهایی است. طبق گزارش فضل بن شاذان پس از واقعه کربلا، تنها پنج نفر پیرامون امام علیه السلام باقی ماندند:

ابو خالد کابلی، یحیی بن ام الطویل، جبیر بن مطعم، سعید بن جبیر و سعید بن مسیب (طوسی، اختیار، ج ۱، ص ۳۳۲). سیاست منع نقل حدیث که از زمان خلفا آغاز شده بود، در زمان امام علیه السلام با شدت بیشتری ادامه یافت. جعل حدیث نیز که به دستور معاویه و در قالب پنخس نامه‌های مکرر وی به استاندارانش، به عنوان یک سیاست خصمانه فرهنگی پی‌ریزی و پس از آن دنبال شده بود (ابن ابی‌الحدید، ج ۱۲، صص ۴۴-۴۶)، ضربه دیگری بر پیکره حدیث، و مانعی بر سر راه ارتباط امام علیه السلام با مردم و انتقال معارف دین و قرآن به ایشان بود. اجرای سیاست منع حدیث و جعل آن باعث شد بسیاری از روایات نبوی، خاصه آنها که در مورد فضایل اهل بیت علیهم السلام وارد شده بود، از مدار نقل خارج شده یا به فراموشی سپرده شود (ابوریه، ص ۵۵).

در این زمان، شرایط مناسبی برای تعامل امام علیه السلام با مردم وجود نداشت. انهدام و تخریب شأن و جایگاه اهل بیت علیهم السلام که از لحظه رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله آغاز شده و در طول دوران امیر المؤمنین علیه السلام و امام حسن علیه السلام ادامه یافته بود، با قتل سیدالشهداء علیه السلام به اوج خود رسید. دعا‌های امام سجاده علیه السلام که بیشترین حجم روایات ایشان را تشکیل می‌دهد، نشانگر غربت امام سجاده علیه السلام و عدم حضور مخاطبی است که از دریای بی‌کران علم و معرفت الاهی ایشان بهره‌گیرد. به دلیل همین تنهایی است که حضرت در دوران پر حزن و اندوه حیات خویش سیاست سکوت را در برابر امویان در پیش گرفتند. امام سجاده علیه السلام هیچ یک از حرکت‌های سیاسی معاصر خویش را تأیید نکردند؛ حتی نهضت‌هایی که ظاهراً به خون‌خواهی سید الشهداء علیه السلام آغاز شده بود، از جانب ایشان مشروعیت نیافت. امام علیه السلام با درک صحیح شرایط عصر خویش که بر پایه علم الاهی ایشان استوار بود، به خوبی از ناکارآمدی روش مبارزه فیزیکی آگاه بودند. لذا نه خود به این کار مبادرت کرد و نه به کسانی که خواستار تجویز چنین تحرکاتی بودند، اجازه آن را داد. از رویارویی و گفت‌وگوی امام سجاده علیه السلام با خلفا و حکام عصر خویش، جز دو خطبه‌ای که در

مسجد کوفه و مجلس یزید ایراد شده، گزارشی در دست نیست (نک: طبری، ج ۴، ص ۳۵۵؛ ابن کثیر، ج ۸، ص ۲۱۱). پس از ماجرای انهدام کعبه نیز، واکنش امام سجاد علیه السلام اقدام به تعمیر و مرمت کعبه و نصب حجر الاسود است (ابن اثیر، ج ۳، ص ۱۹۷؛ مسعودی، ج ۲، ص ۷۴). متقابلاً خلفای اموی، از یزید تا ولید بن مروان، همه، در ظاهر ایشان را احترام کرده، از فرامین تهدید و تعذیب مردم مستثنی می‌کردند (عمادزاده، ص ۷۳۶).

جایگاه امام سجاد علیه السلام در تفسیر قرآن

به طور کلی روایات تفسیری رسیده از امام سجاد علیه السلام از دو جنبه کمی و کیفی قابل بررسی است. از لحاظ کمی، حدوداً دویست و پنجاه روایت تفسیری از منابع گوناگون روایی و تفسیری، اعم از شیعه و اهل سنت، استخراج شده است. این روایات به لحاظ محتوایی، برخی موضوعات علوم قرآنی نظیر اسباب نزول، فضیلت برخی آیات و سوره و قراءات را در بر می‌گیرد.

قسمت عمده این روایات، به تفسیر آیات قرآن اختصاص دارد. یعنی امام سجاد علیه السلام به طرق گوناگون به تبیین مراد خداوند از آیات پرداخته‌اند؛ همان وظیفه‌ای که بر اساس قرآن، بر عهده پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و جانشینان او نهاده شده است.

آنچه در میان حجم به ظاهر اندک روایات تفسیری امام سجاد علیه السلام رخ می‌نماید، اهتمام ویژه حضرت به بیان مصادیق و تأویل آیات است. امام سجاد علیه السلام در خلال این تأویلات و مصادیق سعی در ترسیم جایگاه و تبیین شأن و فضیلت اهل بیت علیهم السلام دارند. اگر با دیده تحلیل به این مسأله بنگریم، و فضای خاص سیاسی و اجتماعی دوران حیات امام سجاد علیه السلام را در نظر بگیریم، در خواهیم یافت که امام علیه السلام در مقام معماری است که موقعیت اهل بیت علیهم السلام را که از لحظه رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در معرض تهدید و تخریب واقع شده و با شهادت سید الشهداء علیه السلام به طور کلی منهدم شده

بود، بازسازی و ترمیم می‌کند. اهمیت این مطلب تا به آنجاست که اگر نقش امام سجاده علیه السلام را در این بازسازی حذف کنیم، حضور دو امام بعدی علیهم السلام - و حتی امامان پس از ایشان علیهم السلام - را به عنوان محلّ مراجعه و ملجأ مسلمانان به خصوص شیعیان از دست خواهیم داد و این به معنای از دست دادن بخش عظیمی از معارف و آموزه‌های دینی است که از طریق این بزرگان به جامعه انسانی و مسلمانان ارائه شده است. به عبارت دیگر اگر مردم به هر دلیلی به شأن و مقام امام علیه السلام در تبیین کتاب الله و تربیت نفوس جاهل باشند، حتی با فرض حضور امام علیه السلام و وجود فضای مناسب برای اقتباس از نور علم و دانش او، این مراجعه و تعامل صورت نخواهد گرفت. لذا در حقیقت می‌توان گفت تمامی تفاسیری که پس از امام سجاده علیه السلام به واسطه مراجعه مردم به اهل بیت علیهم السلام و خوشه‌چینی از محضر ایشان بر جای مانده و به ما رسیده است، و حتی تأیید و تثبیت موقعیت ائمه پیشین علیهم السلام جهت انتفاع از تعالیم الهی ایشان، همگی مرهون علم، حلم و جهد امام سجاده علیه السلام در انجام این امر خطیر است.

روایات تأویلی امام سجاده علیه السلام

تقریباً نیمی از روایات تفسیری امام سجاده علیه السلام را تأویل و ارائه مصادیق آیات تشکیل می‌دهد. غالب این روایات به تبیین شأن و منزلت اهل بیت علیهم السلام، فضیلت ایشان بر سایرین، موقعیت دوست داران ایشان و معرفی دشمنانشان پرداخته است. اگر چه برخی نیز به بازسازی چارچوب اعتقادی شیعه در زمینه‌های آخر الزمان، مهدویت و رجعت اختصاص یافته است. نمونه‌هایی از این روایات به تفکیک موضوع عبارتند از:

۱. بازسازی بنیان تفکر ولایت مدار

از آن جا که دوران امام سجاده علیه السلام از جهت بازگشت مردم به مبانی جاهلیت و فاصله گرفتن از امام علیه السلام تا به آنجا که به خانه نشینی ایشان انجامید، بسیار شبیه دوران

امام علی علیه السلام است، رویکردهای ایشان به موضوع «ولایت»، «تولی» و «تبری» بسیار همانند است. همان سببی که امام علی علیه السلام را وا می‌دارد شؤون علم و تقوای خود را بستاید و در میدان فضیلت‌ها داد مبارز طلبی سر دهد، امام سجاد علیه السلام را نیز در جایگاهی قرار می‌دهد که فضایل پدرانیش و امتیازات ذریه‌اش علیهم السلام را در قالب تبیین آیات قرآن بیان کند.

۱-۱- تبیین جایگاه امیرالمؤمنین علیه السلام

مهم‌ترین رکنی که امام سجاد علیه السلام سعی در تحکیم آن دارد جایگاه امیرالمؤمنین علیه السلام در مقام ولایت است. به طور نمونه امام علیه السلام در تفسیر «ادخلوا فی السلم کافه» می‌فرماید: «سلم و سلامت همانا ولایت امیر المؤمنین است» (بحرانی، ج ۱، ص ۱۲۹). ایشان مراد از شجره مبارکه در «کاتها کوکب درئی یوقد من شجره مبارکه» و نخستین مصداق «و من الناس من یشری نفسه ابتغاء مراضات الله» را علی بن ابی طالب علیه السلام می‌داند (نک: حسینی، ج ۱، ص ۳۵۹؛ الکوفی، ص ۱۲۴؛ اصفهانی، ص ۲۲۴؛ ابن شهر آشوب، مناقب، ص ۳۳۹).

گاهی نیز امام علیه السلام، تفسیر خویش را به گفتار رسول خدا صلی الله علیه و آله مستند می‌کند تا زمینه بهتری برای پذیرش مخاطب ایجاد کند. به طور مثال زمانی که از ایشان معنای «آن تقول نفس یا حسرتی علی ما فرطت فی جنب الله...» را پرسیدند حضرت فرمود: «جنب الله تنها علی بن ابی طالب علیه السلام است و او حجت خدا بر خلق است. هنگامی که روز قیامت شود، خداوند به نگهبانان جهنم امر می‌کند که کلیدهای آن را به علی علیه السلام بسپارند. پس هر که را بخواهد داخل [دوزخ] کند و هر که را بخواهد نجات دهد؛ همانا رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: «ای علی هر کس تو را دوست دارد مرا دوست داشته و هر کس تو را دشمن دارد مرا دشمن داشته است. ای علی تو برادر منی و من برادر تو هستم...» (الکوفی، فرات، ص ۳)

۲-۱- تبیین جایگاه اهل بیت علیهم السلام

محور بعدی تأویلات امام سجاد علیه السلام را ترسیم جایگاه بی مانند اهل بیت علیهم السلام در میان سایر فرزندان آدم علیه السلام تشکیل می دهد. ایشان در تفسیر «اهدنا الصراط المستقیم» می فرماید: «مایم ابواب الاهی و مایم راه استوار.» (مجلسی، ج ۲۴، ص ۱۲). یعنی آن صراط مستقیمی که در هر نماز از خداوند هدایت به سوی آن را طلب می کنید پیروی از ماست، بدون آن که یکی بر دیگری رجحانی داشته باشد؛ چرا که ما به منزله درهایی هستیم که از هر یک وارد شوی، به تنها مسیر هدایت منتهی می شود. هم چنین در بیان معنای «و ألقى فی الارض زواسی أن تمید بکم...» می فرماید: «وجود ماست که زمین را از آن که اهلش را بلرزاند نگاه می دارد.» (ابن بابویه، کمال، ج ۱، ص ۲۰۷)

امام سجاد علیه السلام در قالب بیان معنای «فاسألوا اهل الذکر» به طرح و ترسیم یک منشور تربیتی می پردازد که همواره نشانگر جایگاه اهل بیت علیهم السلام و وظیفه شیعیان در برابر ایشان است: «بر عهده امامان علیهم السلام چیزی است که بر شیعیان ایشان نیست و بر عهده شیعیان ما چیزی است که بر ما نیست. خداوند عزوجل به آنها امر کرده که از ما سؤال کنند: «فاسألوا اهل الذکر»؛ پس به آنها امر کرده که از ما پرسند، ولی بر ما واجب نیست که پاسخ گوئیم؛ اگر بخواهیم پاسخ می دهیم و اگر بخواهیم خودداری می کنیم.» (کلینی، ج ۱، ص ۱۶۵)

۳-۱- جایگاه تولی و تبری

امام سجاد علیه السلام در قالب تأویل آیات قرآن، اهمیّت دو رکن اساسی دین، یعنی «تولی و تبری» را خاطر نشان می کند. از جمله این که در تفسیر فراز پایانی آیه نور «یهدی الله لنوره من یشاء» می فرماید: «خداوند آن کس را که دوست می دارد، به ولایت ما اهل بیت علیهم السلام رهنمون می شود.» (حسینی، ج ۱، ص ۳۶۰) و نیز در آیه «قال و من کفر فأمّته قلیلاً...» هر کس را از امت پیامبر ﷺ که وصی او را منکر شود و پیرویش نکند، مشمول معنای آیه می داند. (نک: عیاشی، ج ۱، ص ۵۹)



۲. ترسیم محورهای تفکر آخر الزمانی

بخش معنادار دیگری از روایات تأویلی امام سجاد علیه السلام، به ترسیم چشم‌انداز نهایی دنیا اختصاص دارد. می‌توان روایات این بخش را در سه محور دسته‌بندی کرد:

۱-۲- مهدویت و ظهور

موضوع مهدویت و زمینه‌سازی برای درک و پذیرش ظهور، امری است که اهل بیت علیهم السلام همگی به آن پرداخته‌اند. اما راهکار امام سجاد علیه السلام در مستند ساختن مهدویت به آیات قرآن، از ویژگی‌های ایشان است و صادقین علیهم السلام و ائمه متأخر، این روایات را مکرر از قول ایشان نقل کرده‌اند. از جمله این روایات، تفسیر «فُورَبَّ السَّمَاءِ وَ الْاَرْضِ إِنَّهُ لَحَقٌّ...» است. امام علیه السلام حَقّ قطعی را در این آیه به قیام قائم علیه السلام تفسیر می‌کند (نک: قمی، ج ۲، ص ۳۳). هم‌چنین در بیان «أَیْنَما تَکُونُوا یَأْتِ بِکُم اللهُ جَمِیعاً» می‌فرماید: «ایشان اصحاب قائم علیه السلام هستند.» (طوسی، الغیبه، ص ۳۱۳)

۲-۲- حکومت صالحان

یکی از مهم‌ترین اهرم‌های تربیت انسان‌های صالح، ترسیم چشم‌انداز امید آفرین فرجام کار صالحان در آخرالزمان است. نقش و اهمیت این اهرم تربیتی در دوران سراسر ظلم و خفقان حکومت اموی که به گواهی تاریخ، سیاه‌ترین دوران‌هاست، بیشتر نمایان می‌شود. امام سجاد علیه السلام که مربی انسان‌هاست در قالب تبیین آیات قرآن به این مهم نیز پرداخته است. از برجسته‌ترین این آیات آیه ۵۵ سوره نور است. امام علیه السلام ذیل این آیه می‌فرماید: «به خدا سوگند آنها شیعیان ما اهل بیت هستند. این امر به دست مردی از ما برای آنها رخ می‌دهد و او مهدی این امت است و او کسی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم درباره‌اش فرمود: اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد، خداوند آن را تا جایی طولانی می‌کند که مردی از خاندان من که هم نام من است ظاهر شود و جهان را از عدل و داد پر کند؛ آن‌چنان که از ظلم و جور پر شده است.» (طبرسی، جوامع، ج ۳، صص ۱۱۷-۱۱۸)

۲-۳- رجعت

رجعت یکی از اصول تفکر شیعیان اثنی عشری است که در احادیث فراوانی به آن اشاره شده است. امام سجاده علیه السلام تأویل رجعت را در کتاب خداوند طرح و بیان فرموده است؛ چنانکه آیه «انّ الذی فرض علیک القرآن لرادک الی معاد» در تفسیر امام علیه السلام، در مورد رجعت بیان شده است (نک: قمی، ج ۲، ص ۱۴۷). حضرت در روایت دیگری نیز می فرماید: «یعنی پیامبرتان و امیر مؤمنان و امامان علیهم السلام به سوی شما بازمی گردند.» (قمی، ج ۲، ص ۱۴۷؛ مجلسی، ج ۵۳، ص ۴۶)

تعیین مصادیق آیات

یکی دیگر از ویژگی های تفسیر امام سجاده علیه السلام تعیین و ارائه مصادیق آیات است. بیشتر این مصداق ها به معرفی اهل بیت علیهم السلام، دوستان و دشمنان ایشان اختصاص دارد.

امام سجاده علیه السلام در تفسیر «انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت...» روایتی از ام سلمه نقل می کند که: «این آیه در خانه من نازل شد... سپس جبرئیل گفت: «ای محمد بخوان «انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت»؛ این آیه درباره پیامبر صلی الله علیه و آله، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام بود.» (طوسی، الامالی، ص ۳۶۸) به این ترتیب اهل بیت علیهم السلام نه تنها سبب نزول آیه، بلکه مصادیق منحصر به فرد آن هستند.

امام سجاده علیه السلام در فرصت های مناسب به بازگویی روایات معصومان قبل از خود پرداخته و با تکرار آنها بر اهمیت فرمایشات ایشان تأکید می کند. از جمله در تفسیر آیه مباهله، روایتی به این مضمون از امام حسن علیه السلام نقل می کند: «خداوند تعالی هنگامی که منکران کتاب، محمد صلی الله علیه و آله را انکار و با او محاجه کردند فرمود: «فقل تعالوا ندع أبناءنا و أبناءکم و نساءنا و نساءکم و أنفسنا و أنفسکم...»؛ سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله از نفس ها پدرم، از پسران من و برادرم و از زنان فاطمه مادرم را، از میان همه مردم، همراه خود کرد؛ پس ما خاندان او، گوشتش، خونش و جانش هستیم، ما از اویم و او از ماست.» (طوسی، الامالی، ص ۵۶۴)



امام سجاده علیه السلام در روایت دیگری به نقل از امام حسن علیه السلام می‌فرماید: «خداوند در کتابی که بر پیامبرش فرو فرستاده، فرموده است: «أَفْنِ كَانِ عَلِيَّ بَيْتَهُ مِنْ رَبِّهِ وَ يَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ»، پس رسول خدا کسی است که دلیل آشکاری از پروردگارش دارد و پدرم آن کسی است که تابع و گواه اوست.» (طوسی، الامالی، ص ۵۶۲)

گاهی نیز امام علیه السلام در قالب تفسیر آیات، مصادیق دوستان و دشمنان اهل بیت علیهم السلام را معرفی کرده‌اند. به عنوان مثال، در تبیین آیه «إِلَّا مَنْ رَجِمَ رَبِّكَ وَ لِذَلِكَ خَلَقَهُمْ» می‌فرماید: «ایشان اولیاء ما از میان مؤمنان هستند.» (عیاشی، ج ۲، ص ۱۶۴) به عبارت دیگر امام علیه السلام کسانی را که پذیرای ولایت اهل بیت علیهم السلام هستند، مصداق آیه فوق و بهره‌مند از رحمت حق می‌داند. هم‌چنین هنگامی که آیه «وَلَا يَنْفَعُكُمْ نُصْحِي إِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ أَنْصَحَ لَكُمْ...» را تفسیر می‌کند، می‌فرماید: «این آیه در مورد پدرش [پدر ابن عباس] است.» (قمی، ۲۳، ۲) و در جایی دیگر در تفسیر «وَمَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَى فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَى وَأَضَلُّ سَبِيلًا» او را مصداق آیه می‌داند. (قمی، ۲۳، ۲)

نتیجه

۱. وجود حجم قابل ملاحظه‌ی بیان تأویل، در روایات تفسیری امام سجاده علیه السلام، مهم‌ترین ویژگی تفسیر ایشان است که احیاء عقاید شیعی و بازسازی منزلت و جایگاه اهل بیت علیهم السلام و امداد آن است.
۲. بیان مصادیق آیات، راهکار عملی امام سجاده علیه السلام برای معرفی دوستان و دشمنان اهل بیت علیهم السلام و نشان دادن ویژگی‌های آنان است.

فهرست منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. ابن ابی الحدید، عزالدین. شرح نهج البلاغه. تصحیح: محمد ابو الفضل ابراهیم. دار الاحیاء الکتب العربیه، بیروت: ۱۳۷۸ق.
۲. ابن اثیر، عزالدین. الكامل فی التاریخ. دار صادر. بیروت: ۱۳۸۵ق.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی (صدوق). الخصال. منشورات الاسلامیه. قم: ۱۳۶۲ ش.
۴. _____ . کمال الدین و تمام النعمه. مؤسسه النشر الاسلامی. قم: ۱۴۰۵ق.
۵. ابو ریه، محمود. أضواء علی السنه المحمديه. مؤسسه منشورات الاعلمی للمطبوعات، بیروت: بی تا.
۶. اصفهانی، عمادالدین حسین (عمادزاده). زندگانی چهارده معصوم علیهم السلام. مکتب قرآن، تهران: ۱۳۴۸.
۷. اصفهانی، احمد بن موسی (ابن مردویه). مناقب علی بن ابی طالب علیه السلام و ما نزل فی القرآن فی علی علیه السلام. دار الحدیث، قم علیه السلام ۱۴۲۲ق.
۸. بحرانی، سید هاشم. البرهان فی تفسیر القرآن. بنیاد بعثت، تهران: ۱۴۱۶.
۹. حسینی، شرف الدین علی. تأویل آیات الظاهره فی فضایل العتره الطاهره. مدرسه الامام الموسوی، قم: ۱۴۰۷ق.
۱۰. الدمشقی، اسماعیل بن کثیر (ابن کثیر). البدایه و النهایه. دار احیاء التراث العربی، بیروت: ۱۴۰۸ق.
۱۱. سیوطی، جلال الدین. تاریخ الخلفاء. بی تا، بی جا، بی تا.
۱۲. شریف قرشی، باقر. حیاة الامام زین العابدین علیه السلام. دار الاضواء، بیروت: ۱۴۰۹ق.
۱۳. طبرسی، فضل بن حسن. جوامع الجامع. انتشارات دانشگاه تهران، تهران: ۱۳۷۷ش.
۱۴. طبری، محمد بن جریر. تاریخ الطبری. بریل، لیدن: ۱۸۷۹م.
۱۵. طوسی، محمد بن حسن. الامالی. دار الثقافه، قم: ۱۴۱۴ق.

۱۶. _____ . الفهرست . نشر الفقاهه ، بی جا . ۱۴۱۷ق .
۱۷. _____ . الغیبه . مؤسسه المعارف الاسلامیه ، قم : ۱۴۱۱ق .
۱۸. _____ . اختیار معرفة الرجال (رجال کشی) ، مؤسسه آل البيت ، قم : ۱۴۰۴ق .
۱۹. عیاشی ، محمدبن مسعود . کتاب التفسیر . انتشارات علمی ، تهران : ۱۳۸۰ق .
۲۰. القمی ، علی بن ابراهیم . تفسیر القمی . دار الكتاب ، قم : ۱۳۶۷ش .
۲۱. الكلینی ، محمدبن یعقوب . کافی . دار الكتب الاسلامیه ، تهران : ۱۳۶۳ .
۲۲. الكوفی ، فرات بن ابراهیم . تفسیر الفرات . سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی ، تهران : ۱۴۱۰ق .
۲۳. الكوفی ، محمدبن سلیمان . مناقب الامام أمير المؤمنين علی بن ابی طالب عليه السلام . مجمع احیاء الثقافه الاسلامیه ، قم : ۱۴۱۲ق .
۲۴. مازندرانی ، محمدبن علی (ابن شهر آشوب) ، مناقب آل ابی طالب . مطبعه الحیدریه نجف ، ۱۳۷۶ق .
۲۵. _____ . معالم العلماء . مطبعه الحیدریه ، نجف : ۱۳۸۰ق .
۲۶. مجلسی ، محمدباقر . بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار . مؤسسه الوفاء ، بیروت : ۱۴۰۳ق .
۲۷. مسعودی ، ابوالحسن . مروج الذهب و معادن الجواهر . دار المعرفه ، بیروت : ۱۳۶۸ .